

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان عنوان کرد: ورود سرمایه‌گذاران به گردشگری خوزستان

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خوزستان با بیان اینکه حوزه گردشگری در سه شهر مسجدسلیمان، بهبهان و باغملک متحول خواهد شد، گفت: خوشبختانه هم استاندار و هم مدیران استانی نگاه مثبتی به بحث گردشگری دارند. محمد جوروند در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به حضور فعال خوزستان در هجدهمین دوره نمایشگاه گردشگری تهران، اظهار کرد: این نمایشگاه یک منبع برای سرمایه‌گذاری است. این نمایشگاه ظرفیت گردشگری در استان‌های مختلف را نشان می‌دهد و باعث می‌شود سرمایه‌گذاران مسیر خود را انتخاب کنند. به همین دلیل برگزاری چنین نمایشگاهی در صنعت نمایش گردشگری تاثیر بسزایی دارد. او خاطرنشان کرد: حوزه گردشگری حتی در برخی از کشورها بیشتر از نفت ثروت آوری دارد و در کشور ما نیز می‌تواند اتفاق مهمی باشد. برای استان خوزستان هم در طی روزهای برگزاری نمایشگاه اتفاقات خوبی رقم خورد.

پاسخ به شبهات

شبهه شرافت ملت ایران سالهاست لگدمال شده است

با درود بر همه شما فرهیختگان و ادای احترام به محضر یکایک شما عزیزان . با توجه به فرمایشات اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی ، در خصوص شرافتمندانه نبودن گفتگو با آمریکا، سوالات زیر از مسولان حکمرانی در طول ۴۶ سال پس از انقلاب اسلامی پرسیده می شود که باید پاسخگوی ملت باشند . شرافت ملت ایران سالهاست لگدمال شده است: آیا بی‌ارزش ترین پول دنیا شرافتمندانه است؟ آیا بی‌اعتبارترین گذرنامه دنیا شرافتمندانه است؟ آیا کمبود و ورشکستگی آب و گاز و برق کشور شرافتمندانه است؟ آیا آلوده‌ترین هوای دنیا شرافتمندانه است؟ آیا ۳ ماه تعطیلی مملکت در زمستان شرافتمدانه است؟ آیا صف خرید و قرعه‌کشی برای پراید و کوییک ۵۰۰ میلیونی شرافتمندانه است؟ آیا فقر و تنزل روزانه سطح معیشت مردم ایران شرافتمندانه است؟ آیا اختلاس و رانت و فساد رایج در کشور شرافتمندانه است؟ آیا بلوکه کردن میلیاردها دلار اموال ایران در خارج کشور و ناتوانی در آزاد کردن آنها شرافتمندانه است؟ آیا مهاجرت ۶ میلیون ایرانی به خارج کشور و فراری دادن کارآفرینان و صنعتگران و پرستاران و پزشکان شرافتمندانه است؟ آیا مصادره ساختمان‌های ایران در لندن و روتردام هلند و آمریکا و... ناتوانی در حفظ آنها شرافتمندانه است؟ آیا ناتوانی در صادرات گاز و نفت علیرغم اینکه در رده دوم بیشترین ذخایر انرژی جهان هستیم شرافتمندانه است؟ آیا نابودی آب‌های زیرزمینی و خشکاندن تالاب‌ها و رودخانه و دریاچه‌ها شرافتمندانه است؟ آیا سوزاندن مازوت توسط نیروگاه‌های دولتی و ابتلای هزاران ایرانی به سرطان ریه و مرگ تنفسی شرافتمندانه است؟

پاسخ به شبهه

غیر شرافتمندانه خواندن مذاکره با آمریکا توسط مقام معظم رهبری، توسط برخی افراد به درستی درک نشد.

نه رهبر انقلاب و نه هیچ یک از طرفداران نظام، چشمشان به روی مشکلات کشور بسته نیست که حالا بخواهیم با ردیف کردن لیستی از مشکلات، آنها را نسبت به مذاکره با آمریکا متقاعد کنید. مخصوصاً زمانی که در بیان مشکلات مبالغه را به حد اعلای خود برسانید... مخالفان مذاکره با علم به مشکلات فعلی کشور، با مذاکره مخالفند. دلیل این مخالفت، دقیقاً همان چیزی است که توسط برخی افراد به درستی درک نشده و اگر بخواهند مخالفان مذاکره را متقاعد کنند، باید در نقد آن استدلال بیاورند.

دلیل مخالفت این است که:

اولاً ما با آمریکا دشمنی نداشته‌ایم که حالا بخواهیم دشمنی را کنار بگذاریم. بلکه همواره آمریکا علیه ایران دشمنی کرده و بارها به طرق مختلف به این کشور و این ملّت ضربه زده. هرگاه آنها دشمنی را کنار بگذارند، ما هم مثل بقیه کشورها با آنها تعامل می‌کنیم.

ثانیاً کدام کشوری را سراغ دارید که هم توانسته بله قربان‌گوی آمریکا باشد و هم شرافتش را حفظ کند؟!

در نسل کشی بی سابقه غزه، کدام یک از کشورهای عربی که تسلیم آمریکا هستند توانستند از آن مظلومان دفاع کنند؟! آیا آنها با سکوت در برابر این جنایات بزرگ، هنوز هم شرافتمندند؟!

ثالثاً حکومتی که خودش بمب اتمی دارد اما می‌گوید تو نباید هیچ فعالیت هسته‌ای داشته باشی. حکومتی که خودش با بمب اتم ۲۰۰ هزار انسان را کشته ولی می‌گوید تو حتی موشک هم برای دفاع از خودت نداشته باش؛ از این حکومت چرا باید انتظار داشته باشیم که برای ما رفاه بیاورد؟!

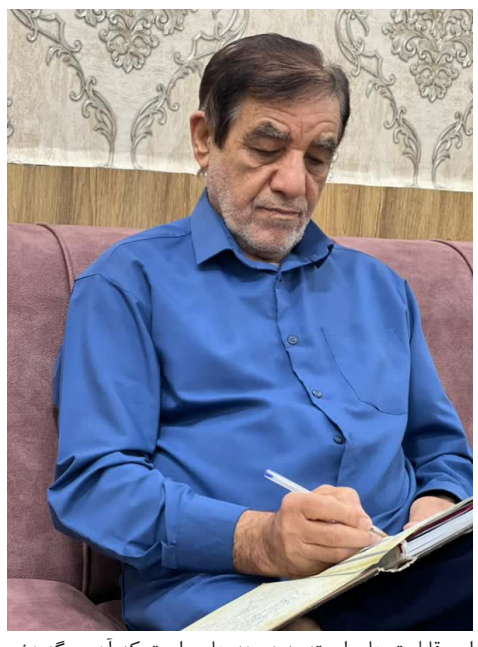
رابعاً ما با خوش‌بینی تمام یک بار به مذاکره با آمریکا رفتیم؛ به توافقی دست یافتیم؛ به تعهداتمان هم عمل کردیم اما طرف مقابل به هیچ تعهدی عمل نکرد. متن برجام هنوز موجود است. توافق هنوز پا برجاست؛ اگر آمریکا اهل مذاکره است به همان توافق عمل کند. اگر نمی‌خواهد به آن توافق عمل کند، ما به چه امیدی دوباره با او پای میز مذاکره بنشینیم.

به قلم جعفر دیناروند؛

قوای شش گانه و موفقیت تحصیلی



وجود توانایی های متضاد در درون آدمی و لزوم توجه به آن ها،امری است که نیازمند به فهم و درکی خاص دارد.گرایش به مطالعه و تمایل به انواعی از پژوهش ها،لازمه ورود به این موضوع خواهد بود. اینکه انسان به زندگی روزمره خود ادامه دهد و کمترین کوششی برای یافتن راه های منطقی و از طریق علم نگری ننماید،مانند منتظر ماندن ناجیانی است که او را از طوفان های جوی نجات دهد و مانع غرق شدن او گردند. این انتظار،بدون شک،ناشی از عدم توانایی اوست. یعنی،خود را به دست حوادث دادن است.این ناتوانی،گرچه واقعیت دارد اما،هرگز حقیقی نیست.یعنی،فقط باوری است که به خود تحمیل کرده است.حقیقت، توانایی آدمی است. این حقیقت انسان از آنجا ناشی می شود که،موجودی پیچیده، دارای استعدادهای بینهایت، گرایش های متعدد، قدرت انتخاب، عواطف قابل کنترل، قابلیت سازش در هر وضعیتی،مبتکر،خلاق و موجودی که قادر به تسلط بر محیط خویش است. در کنار چنین وضعیتی، فراموشی خود، تمایل به ضدیت ها، بی تحرکی برای گریز از مسئولیت طلبی، دفن باورهای عمیق، گرایش به سطحی نگری، احساس بیهودگی و در نهایت، خود را عاجز از فعالیت یافتن، باعث می شود تا خود را مغلوب حوادث بداند و تسلیم زمانه شود. هر دو شکل، واقعیت گرایی و حقیقت یابی، در درون انسان ها، در طول تاریخ،به وجود آمده و همچنان، استمرار دارند.یکی، ابوعلی سینا می شود و با کوشش های خویش، بسیاری از همنوعان خود را از مرگ به زندگی دوباره برمی گرداند و یکی هم، چنگیز می شود که حتی به نوزادان درون گهواره هم رحم نمی کند. شاید برای عوام، وجود انواع ابن سیناها در کنار چنگیزها، تنها نشانه هایی از تلاطم زندگی باشد و لذا آمادگی نظامی و مسلح شدن برای رویارویی و حفاظت از موجودیت خود و اطرافیان، چاره کار باشد اما این،تنها،پذیرش واقعیت های تاریخی است. سئوال اصلی این است که، مگر جنس ابن سیناها با چنگیزها، متفاوت است؟آیا درتولید مثل،متضادند؟آیا بدون غذا، قادر به ادامه زندگی هستند؟پاسخ،یک عبارت است.«هر دو انسانند». پس، ریشه این عملکردهای متضاد در چیست؟این پرسش،راهنمای خوبی برای یافتن پاسخ هاست که یافتن، زیربناها،رسیدن به جواب هاست.این یعنی، انسان ها در شکل و شمایل مانند اندام ها و دلایل زنده بودن، مانند هم هستند و لذا در درون نیز، توانایی هایی دارند که قابلیت های متضاد یا همسویی را متجلی می سازند. بدون شک، ریشه یابی استعدادها، درونی است.آنچه در برون مشاهده می شود، عملکرد درونی همان قابلیت هاست.این اعمال هر چه باشند در دو بعد پذیرفتنی و غیر آن قرار می گیرند.میزان پذیرش نیز متفاوت خواهد بود. با این حال، ارزشیابی مهم در قبول یا رد عملکردها، تطابق آن با جوهره انسانی است.یعنی، توانایی هایی که با آدمیت آدم، مطابقت نداشته باشند، مورد تایید قرار نمی گیرند.درندگی، توحش، بی رحمی و زیان رسانی از استعدادهای حیوانی است. این بدان معناست که نوع بشر، در هنگام تولد، انواعی از استعدادهای مشترک با حیوان را داراست اما زمانی که به فعل تبدیل می شوند، در دو بعد انسانی و غیر آن، قرار می گیرند.این یعنی،انسان می تواند وحشی شود یا ازدواج های حیوانی داشته باشد. از میان تمام استعدادهای درونی،تعدادی خاص انسانند یا در حداقل شکل، ما در حیوان، تصور نمی کنیم.این نشان می دهد که آدمی در فعالیت های خود، از این نوع از قابلیت ها، سود می برد و به موفقیت هایی می رسد. تطابق استفاده از قابلیت های انسانی با میزان پیشرفت در زندگی فردی و اجتماعی، یکی از موضوع های مهم در پژوهش های علمی است.تحقیق هایی که می توانند، یاری دهنده در استفاده افراد و اجتماع باشند. استعدادهایی مانند هوش که به طور معمول خاص انسان است یا فکر که قدرتی در حل مشکل ها تلقی می شوند، در همین جایگاه قرار می گیرند.در همین زمینه می توان به عقل نیز اشاره نمود که عمل کننده آن را عاقل گویند. توانایی نگه داری انواعی از دانستنی ها و حوادث روزگار که حافظه نامیده می شود نیز در قالب استعداد انسانی قرار می گیرد.در همین راستا، علاقه نیز به عنوان کششی موثر، مخصوص انسان ارزیابی می گردد.دقت نیز جز توانایی آدمی است. این توانایی های شش گانه، هر یک، در موقعیت های مختلف، یاری دهنده بشر در مواجهه با انواع رویدادهاست.رخدادهایی که بعضی خوشایند و تعدادی ناخوشایند، ارزیابی می شوند.نقش هر یک از این توانایی ها، خاص و قابل مطالعه اند. استفاده از هر یک از



این قابلیت ها، وابسته به زمینه هایی است که آدمی گزینش می کند.همان مواردی که انسان خواهان رشد و پیشرفت در آن هاست زیرا زندگی، بدون توجه به تعالی و کوشش برای دستیابی به آن، بی معناست. یکی از مهم ترین این زمینه ها، تحصیل است.فعالیتی که جنبه علمی دارد و به دنبال کسب دانستنی های مورد نیاز آدمی است.کوششی که در قالب آموزش های رسمی قرار می گیرد و دارای درجات مختلفی است. مقطع ابتدایی یا دبستان، آغازگر،دبیرستان، استمرار آن و در نهایت، دانشگاه با انواعی از مدارج علمی، تکمیل کننده آن است.آنچه میان همه این مراحل مشترک است، یادگیری نامیده می شود.همان امری که گاه با انتقال معلومات و زمانی با کسب مدارک، تایید می گردد. روشن است که ورود به آموزش رسمی، باید، برای همه امکان پذیر باشد.همه بتوانند از امکانات استفاده کنند و یادگیری را شروع نمایند.کسی حق ممانعت ندارد زیرا آدمی در پی رشد و موفقیت تحصیلی است. از طرفی، چون تفاوت های فردی، امری قابل قبول است لذا همه مانند هم توفیق نمی یابند. توجه به این تفاوت ها و تاکید بر قوای درونی آدمی، سبب اتصال این دو به هم می گردد.یعنی،تفاوت های طبیعی. متوجه درون آدمی است. بر همین اساس، اختلاف در میزان استعدادها و نیز چگونگی تبدیل آن ها به رشد، مورد توجه قرار می گیرند و مبنایی برای توفیق و یا سکست تحصیلی، محسوب می شوند.این قوا، نیازمند به شناختند و لذا بدون مطالعه و کنکاش، نمی توان به حقیقت آن ها پی برد. قوای شش گانه توفیق در تحصیل، از جمله قابلیت هایی هستند که نقشی مستقیم در رشد و تعالی آدمی دارند.استعدادهایی که با بارور کردن آن ها، سرعت یادگیری، افزون، میزان آن، افزایش،به کارگیری، توام با موفقیت و آرامش فراگیر، آسان تر خواهد بود.این قابلیت ها عبارتند از:«هوش» به عنوان یک واژه علمی و مختص نوع بشر، اولین آن هاست. «عقل» که منتسب به آدمی است و معنایی خاص دارد، دومین مورد است. «فکر» به دلیل خاص بودن نزد انسان و مایه تمیز او از سایر جانوران، سومین توانایی محسوب می شود. «حافظه» که ارتباط مستقیمی با نگهداری معلومات دارد، مورد چهارم این قابلیت ها به حساب می آید. «علاقه» که گاهی با دوست داشتن، مخلوط می کنند در حالی که توانایی کشش به سمت و سویی است،پنجمین نکته است.«دقت» یا توانایی تمرکز بر نقاط انتخاب شده،به عنوان تکمیل کننده و ششمین مورد از این مجموعه،شمرده می شود. مطالعه در مورد هر یک از این قوا و شناخت میزان آن ها نزد آدمی از سوی والدین و معلمان، راهگشای موفقیت تحصیلی و نیز دلایل عدم توفیق در این زمینه خواهد بود.



جشن‌های باشکوه میلاد امام زمان (عج) در خوزستان؛

از خیابان‌های رنگارنگ تا نوازندگان محلی»

به گزارش مهدی محمدزاده خبرنگار روزنامه جهان اخبار،در این شب ویژه، تمامی اقوام خوزستان در کنار هم جمع می‌شوند و با برگزاری مراسم‌های مذهبی و جشن‌ها، روابط اجتماعی خود را مستحکم می‌سازند. در خیابان‌ها، انواع موکب‌ها به پخش شیرینی، قهوه و شربت می‌پردازند و لحظات شیرینی برای عابران فراهم می‌کنند. این اقدامات نمادی از محبت و مهربانی میان مردم بوده و به فضا شور و نشاط خاصی می‌بخشند. گروه‌های آوازخوان و نوازندگان محلی در کوچه‌ها با نواختن سازهای سنتی چون دایره و سرنا، فضای شاد و پر انرژی‌تری ایجاد می‌کنند؛ آهنگ‌های پرشور اقوام خوزستان و نواهای دلنشین سازها، شب میلاد را به یک جشن خاطره‌انگیز و سنتی تبدیل کرده است.

پارک‌ها و فضاهای عمومی با نورافشانی‌های زیبا و جذاب تزئین شده‌اند تا زیبایی‌های این شب فرخنده دوچندان شود و افراد بیشتری به جشن و شادی دعوت شوند.

مردم شهرهای مختلفی همچون اهواز، آبادان، خرمشهر، دزفول و... در کنار خانواده‌های خود گرد هم آمده و در این جشن‌ها شرکت می‌کنند.

در مساجد و حسینیه‌ها، مراسم مولودی‌خوانی و جشن‌های مذهبی با حضور مردم از همه اقوام برگزار می‌شود و این مراسم‌ها به محافل پرشور و معنوی تبدیل شده است. در این محافل، همه با ذکر نام امام مهدی (عج) و شادی در این شب بزرگ، ارتباط خود با امام زمان (عج) و همبستگی اجتماعی خود را تقویت می‌کنند.

نکته جالب توجه اینکه برخی مغازه‌داران به مناسبت شب میلاد، شیرینی‌های رایگان به مشتریان می‌دهند که نشان‌دهنده روحیه بخشش و مهربانی مردم استان است.

در برخی نقاط، تاکسی‌ها نیز به مناسبت این شب، کرایه نمی‌گیرند و از مسافران درخواست می‌کنند به جای پرداخت کرایه، عیدی بدهند؛ این حرکت نیز اقدامی جالب برای گسترش شادی و محبت در میان مردم است.

این جشن‌ها نه تنها به عنوان یک فرصت مذهبی برای مردم خوزستان مطرح است، بلکه فرصتی برای به اشتراک گذاشتن شادی، محبت و همدلی در جامعه محسوب می‌شود. این همبستگی نمادی از فرهنگ غنی و میهمان‌نوازی اقوام مختلف خوزستان است که در این شب فرخنده به جشن و شادمانی می پردازند.

عزت در اسارت

عبدا... بن حذافه از یاران دلاور رسول خدا(صلی ا... علیه و آله) از طایفه بنی سهم، از دودمان قریش بود. وی در یکی از جنگ های مسلمانان با رومیان ، همراه هشتاد نفر از مسلمین ، اسیر سپاه روم شد. روزی این مسلمین اسیر را نزد قیصر، فرمانفرمای روم، بردند. قیصر به عبدا... (که عنوان رئیس اسیران مسلمان را داشت) این پیشنهاد را کرد: اگر دین مسیحیت را بپذیری تو را آزاد می کنم . عبدا... نپذیرفت . قیصر دستور داد دیگ بزرگی را آوردند و روغن زیتون در آن ریختند، و آن دیگ را روی آتش نهادند، وقتی که روغن به جوش آمد، یکی از اسیران مسلمان را در میان آن افکندند که گوشت هایش از استخوان هایش جدا گردید. پس از این شکنجه سخت ، به عبدا... پیشنهاد دوم را کرد: اگر آئین مسیحیّت را نپذیری تو را نیز دچار این سرنوشت می کنیم . عبدا... نپذیرفت . او را نزدیک دیگ آوردند که به داخل آن بیفکنند، قطرات اشک از چشمانش سرازیر شد. قیصر دستور داد او را برگرداندند، و به او گفت : چرا گریه می کنی ، از اسلام برگرد،تا آزادت کنم . عبدا... گفت : گریه ام از ترس مرگ نیست، بلکه گریه ام از این رو است که کاش به اندازه موهای بدنم جان داشتم و آنها را در راه دین خدا، فدا می کردم . قیصر از شجاعت و همّت بلند عبدا... ، حیران و شگفت زده شد و پیشنهاد کرد که اگر دین مسیحیت را بپذیری ، دخترم را همسر تو می کنم، و نیمی از کشورم را در اختیار تو می گذارم . عبدا... این پیشنهاد را نیز رد کرد. قیصر گفت: سر مرا ببوس تا تو را آزاد کنم، عبدا... نپذیرفت .

استقبال باشکوه مردم شهرستان گتوند از پیکر مطهر شهید بهرام پنجه‌ورزیدن





مردم مؤمن و قدرشناس شهرستان گتوند با حضور گسترده و باشکوه خود، پیکر مطهر شهید بهرام پنجه‌ورزیدن، از شهدای امنیت نیروی انتظامی که در راه دفاع از آرامش و امنیت جامعه به فیض شهادت نائل آمد، بدرقه کردند. استواریکم شهید بهرام پنجه ورزیدن از نیروهای جان‌برکف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که در حین انجام وظیفه در راه مقابله با اشرار مسلح جان خود را فدا نمود و نام خود را در زمره مدافعان امنیت کشور به ماندگاری تاریخ به ثبت رساند. مراسم استقبال و وداع با پیکر مطهر این شهید والاقدر، با حضور خانواده معظم شهدا، مسئولان محلی، نیروهای نظامی و انتظامی، و اقشار مختلف مردم در شهرستان گتوند و شهر صالح‌شهر برگزار شد. حضور گسترده مردم در این مراسم، جلوه‌ای از وحدت و همبستگی ملی را به نمایش گذاشت و صحنه‌های باشکوهی از ارادت مردم به مقام شامخ شهدا را رقم زد. پس از برگزاری آیین بدرقه در گتوند و صالح‌شهر، کلانتری محل خدمتش، پیکر مطهر شهید پنجه ورزیدن ،طی مراسمی از شکوه حضور مردم قدرشناس گتوند به شهرستان دزفول منتقل و در گلزار شهدای این شهر، در کنار دیگر یاران شهیدش، به خاک سپرده شد. مردم ولایت‌مدار دزفول، با حضوری پرشور در این مراسم، خاکسپاری این شهید با آرمان‌های شهدای امنیت و انقلاب تجدید میثاق نمودند. در این مراسم، جمعی از مسئولان محلی، فرماندهان نظامی و انتظامی، و خانواده شهید پنجه‌ورزیدن، با سخنانی ضمن تجلیل از رشادت‌ها و فداکاری‌های این شهید گرانقدر، بر اهمیت ادامه راه شهدای امنیت تأکید کردند. پدر و مادر این شهید والا مقام، ضمن قدردانی از حضور پرشور مردم، اعلام کردند که افتخار می‌کنند فرزندشان در راه امنیت و آرامش کشور به شهادت رسیده است.

رضاحسین زاده ترکالکی